

تجدید و احیای دین

مؤلف:

امام ابوالاعلیٰ مودودی

مترجم:

عبدالغنی سلیم قنبر زہی

Maudoodi, Syed AbulAla

مودودی، ابوالاعلیٰ، ۱۹۰۳ - ۱۹۷۹ م.

تجدید و احیای دین / تألیف ابوالاعلیٰ مودودی؛ ترجمه عبدالغنی سلیم قنبرزهی. - تهران:

احسان، ۱۳۸۳.

۱۹۹ ص.

ISBN: 964-356-207-7

نهرستریسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. اسلام -- تجدید حیات فکری. ۲. تجدیدگرایی (اسلام). الف. قنبرزهی، عبدالغنی

سلیم، ۱۳۵۰. مترجم، ب. عنوان.

۲۹۷/۴۸

BP۲۲۹/۴۸

۱۳۸۲

۸۲-۳۱۲۴۵ م

کتابخانه ملی ایران

امام ابوالاعلیٰ مودودی

تجدید و احیای دین

عبدالغنی سلیم قنبرزهی

واحد ویراستاری نشر احسان

• ویراستار:

نشر احسان

• ناشر:

جلد ۳۰۰۰

• تیراژ:

۸۳ - لول

• نوبت چاپ:

خانم موسوی

• حروفچینی و صفحه‌آرایی:

چاپخانه مهارت

• چاپ:

ISBN: 964-356-207-7 / ۹۶۴-۳۵۶-۲۰۷-۷

• شابک:

۱۲۰۰ تومان

• قیمت:

نشر احسان



فروشگاه شماره ۱: تهران - خیابان انقلاب - رویروی دانشگاه - مجتمع فروزنده - شماره ۴۰۶ -

تلفن: ۶۹۵۲۲۰۲

فروشگاه شماره ۲: تهران - خیابان ناصر خسرو - کوچه حاج نایب - شماره ۱/۱۱ -

تلفن: ۳۹۰۲۷۵۰

صندوق پستی: تهران ۳۸۵ - ۱۱۴۹۵

فهرست مطالب

۹	مقدمه‌ی مترجم
۱۱	پیش‌گفتار چاپ اول
۱۵	پیش‌گفتار چاپ پنجم
۱۷	کشمکش بنیانی و تاریخی اسلام و جاهلیت
۱۸	چهار فلسفه‌ی زندگی
۱۸	جاهلیتِ خالص
۲۲	جاهلیتِ شرک‌آلود
۲۷	جاهلیتِ راهبانه
۳۲	اسلام
۳۹	رسالت انبیا
۴۲	ماهیت کار پیامبران
۴۳	خلافت راشده و تهاجم جاهلیت
۴۸	لزوم وجود مجددان
۵۰	شرح حدیث «مَنْ يُجَدِّدُ لَهَا دِيْنَهَا»
۵۲	ماهیت کار تجدید
۵۲	تفاوت "تجدد" و "تجدید"

۵۳	تعریف مجدد
۵۴	تفاوتِ مجدد با پیامبر
۵۵	کار تجدید
۵۸	جایگاه مجدد کامل
۶۰	امام مهدی
۶۵	کارنامه‌ی چند تن از مجددانِ بزرگوار است
۶۵	عمر بن عبدالعزیز
۷۲	اثمه‌ی اربعه
۷۵	امام غزالی
۸۶	ابن تیمیّه
۹۳	شیخ احمد سهرندی
۱۰۵	کارنامه‌ی شاه ولی‌الله دهلوی
۱۰۸	کارنامه انتقادی
۱۲۱	کار اصلاح و بازسازی
۱۲۸	نتایج
۱۳۱	سید احمد بریلوی و شاه اسماعیل شهید
۱۳۵	علل عدم موفقیت
۱۳۷	علتِ اول
۱۴۰	علتِ دوم
۱۴۲	علتِ سوم

۱۴۸	 خاتمه
۱۵۱	 پیوست
۱۵۲	 مقام تجدید و امام مهدی
۱۵۸	 حقیقت کشف و الهام و ادعاهای چند تن از مجددان
۱۶۷	 تصوّف و تصوّر شیخ
۱۷۴	 یک اتهام بی اساس و پاسخ به آن
۱۷۹	 علایم ظهور مهدی و جایگاه او در نظام دین
۱۸۵	 مسئله‌ی مهدی

مقدمه‌ی مترجم

مسلمان این خواسته‌ی خداوند بود که موجودی با اراده و مختار در انتخاب راه درست یا بیراهه به نام انسان آفریده شود و در زمین استقرار یابد. هنگامی که نخستین نسل بشر بر زمین فرمود آمد از صراط مستقیم - که همان اسلام باشد - کاملاً آگاهی داشت؛ اما پس از چند نسل این آگاهی از سوی برخی، آگاهانه تحریف شد و از سوی برخی دیگر ناآگاهانه مورد غفلت قرار گرفت. خداوند متعال برای زدودن غبار غربت و اصلاح کج روی‌ها و انحراف‌ها و سوق دادن مجدد بشر به صراط مستقیم، پیامبران را فرستاد. سرانجام همزمان با به کمال رسیدن بشر، خداوند متعال آخرین هدایت خویش را بوسیله‌ی محمد ﷺ به بشریت ارزانی داشت؛ حفاظت کتاب خویش را خود بعهده گرفت و اصلاح فهم‌ها و پاسداری از فهم درست را که همان فهم نسل اول امت اسلام از نص است، بعهده‌ی مجموعه‌ی امت نهاد. امت اسلام هم بنوبه‌ی خود از همان آغاز توانست افرادی را به جامعه‌ی بشری تقدیم نماید که آخرین هدایت الهی را که متعلق به همه‌ی بشریت است و امانتی است در دست

امت اسلام، از هر گونه انحراف بازدارد. از آنجا که انحراف‌ها در کیفیت و کمیت با هم تفاوت دارند، کسانی که به اصلاح این انحرافها پرداخته‌اند نیز طبعاً با هم تفاوت خواهند داشت. هم چنین از آنجا که این کوششهای اصلاحی صرفاً کوششهای بشری بوده‌اند، نواقص و کاستی‌هایی نیز داشته‌اند. چون نبرد میان حق و باطل تا قیام قیامت ادامه خواهد داشت، کار تجدید و اصلاح هم قهراً ادامه خواهد یافت و برای اینکه کارهای اصلاحی و تجدیدی آینده هر چه بهتر صورت بگیرند و تا حد ممکن از نواقص کارهای قبلی عاری باشند، لازم است نگاهی نقادانه به کارهای اصلاحی صورت گرفته در گذشته داشته باشیم. این رساله‌ی مختصر نقطه‌ی آغازی است در این زمینه که توسط متفکر صاحب نام جهان اسلام که به عقیده‌ی برخی از علمای طراز اول جهان اسلام می‌توان او را به حق از زمره‌ی مجددین به حساب آورد، نوشته شده است. امیدوارم خداوند متعال این خدمت ناچیز را قبول فرماید و برای خوانندگان فارسی زبان مفید گرداند. و به همه‌ی دوستانی که به نحوی در تهیه‌ی این ترجمه نقش داشته‌اند، جزای خیر عطا فرماید. آمین.

عبدالقنى سليم قنبرزهی

زاهدان ۱۳۸۱/۱۲/۲۴

پیش گفتار چاپ اول

اصطلاح "مجدّد" از جمله اصطلاحات رایج اسلامی است که بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. مفهوم ساده و اجمالی این اصطلاح را تقریباً همه می‌دانند؛ بدین معنا که هرکس دین را بار دیگر احیاء و تجدید نماید "مجدّد" نامیده می‌شود؛ ولی اذهان بسیار اندک و نادری از معنای دقیق و مقصّل آن آگاهی دارد.

اندک افرادی می‌دانند که حقیقت تجدید (Reviyal) چیست؟ از چه نوع کاری می‌توان به عنوان "تجدید" نام برد؟ این کار دارای چه ابعادی است؟ چه نوع کاری را می‌توان "تجدید کامل" نامید و "تجدید جزئی" چیست؟ در اثر همین ناآگاهی است که مردم معنای کامل کارنامه‌ی امامان و مصلحان گوناگون را که در تاریخ اسلام عنوان "مجدّد" گرفته‌اند، درک نمی‌کنند.

صرفاً می‌دانند که عمر بن عبدالعزیز مجدّد بوده است؛ امام غزالی مجدّد است؛ ابن تیمیّه مجدّد است؛ شیخ احمد سرهندی مجدّد است و شاه ولی الله هم مجدّد است؛ ولی نمی‌دانند که چه کسی از چه لحاظ مجدّد است، کارنامه‌ی او از چه نوعی بوده و دارای چه مرتبه‌ای

است. از جمله دلایلی بزرگ این غفلت و ناآگاهی این است که ارادت و قداسِ افرادی که القاب و عناوینی مثلی «حضرت»، «امام»، «حجة الاسلام»، «قطب العارفین»، «زبدة السالکین» و... به نام‌هایشان افزوده می‌شود، چنان بر افکار سنگینی می‌کند که دیگر برای کسی ممکن نیست که کارها و کوشش‌هایشان را آزادانه مورد بررسی قرار دهد و دقیقاً تبیین نماید که چه کسی برای این حرکت (تجدید) چه میزان و چه نوع کاری انجام داده است و در این کار چه نقشی داشته است.

کارنامه‌ی این بزرگان معمولاً به جای زبانِ علم و تحقیق، با زبانی شاعرانه، ارادتمند و دوستدار بیان می‌شود. به کارگیری چنین ادبیاتی بر خواننده - و شاید هم بر خود نویسنده - این تاثیر را می‌گذارد که فرد مورد بحث یک انسان کامل است و هر کاری را که انجام داده، از هر لحاظ به آخرین درجه‌ی کمال رسیده است؛ ولی اکنون اگر ما در صدد کوشش برای احیاء و تجدید دین اسلام هستیم، این گونه ارادت و اجمال‌گویی مفید نخواهد بود. ما باید همه‌ی کارهایی را که در جهت تجدید انجام گرفته است درک کنیم. به تاریخ گذشته‌ی خودمان نگاهی بیاندازیم و به بینیم که در این قرن‌های گذشته، رهبران و پیشوایان گوناگون ما چه نوع کاری را تا چه حد انجام داده‌اند؟ از کارنامه‌ی آنان ما تا چه حد می‌توانیم استفاده نماییم؟ چه چیزی از ناحیه‌ی آنان مورد غفلت قرار گرفته، تا ما هم اکنون به فکر جبران آن باشیم؟

این موضوع نوشتاری جداگانه می‌طلبید؛ ولی برای نوشتن کتاب فرصت کجا است! همین مقدار هم مغتنم است که ذکرِ خیرِ شاه ولی‌الله صورت گرفت و بهانه‌ای شد برای اشاراتی گذرا به این موضوع. شاید همین اشارات باعث شوند تا بنده‌ای از بندگانِ خدا راه تدوین تاریخ تجدید و احیای دین را پیدا کند.

این مقاله که اکنون به صورت کتاب منتشر می‌شود، در آغاز برای ویژه‌نامه‌ی شاه ولی‌الله، مجله‌ی "الفرقان" بریلی نوشته شده بود. از این رو، در مقاله‌ی مزبور کارنامه‌ی شاه ولی‌الله نسبتاً با شرح و تفصیل بیشتری آمده است و کار مجدّدانِ دیگر بطورِ ضمنی مورد بحث قرار گرفته است.

هنگام مطالعه‌ی این مقاله باید توجه داشت که هدف از آن بررسی همه جانبه‌ی تمام مجدّدین نبوده است؛ بلکه صرفاً از مجدّدانِ بزرگی که در تاریخ اسلام نقش بسزایی ایفا نموده‌اند، یاد شده است. به این نکته نیز باید توجه داشت که کار تجدید را بسیاری کسان انجام داده‌اند و می‌دهند؛ ولی افراد نادری استحقاقِ کسبِ عنوان "مجدّد" را به دست می‌آورند.

ابوالاعلی

محرم سال ۱۳۶۰ هـ.ق

مصادف با فبریه ۱۹۴۰ م.

پیش‌گفتار جاب پنجم

در این ایام بسیاری از افراد فتنه جو، این کتاب را مورد توجه و عنایت خویش قرار داده‌اند. از این رو من در آن تجدید نظر نمودم و تمام عباراتی را که فتنه‌های گوناگونی از آن‌ها استخراج می‌شد، تشریح کردم. منابع تمام گفته‌ها و نوشته‌هایی را که با این تصوّر که ساخته و پرداخته‌ی شخصی ذهن من هستند، آماج اعتراض‌ها قرار گرفته بودند، درج نمودم. در پایان کتاب نیز پاسخ‌هایی را که گهگاه در نشریه‌ی «ترجمان القرآن» به معترضین می‌دادم، ضمیمه ساخته‌ام. هر چند پس از این نیز زبان‌های گوینده از گفتن باز نخواهند ایستاد، ولی امید می‌رود گوش‌های شنونده (و منصف) تا حدود زیادی از فریب خوردن مصون بمانند.

و ما توفیقی إلا بالله العظیم

ابوالاعلیٰ

۱۲ ربیع الثانی ۱۳۸۰ هـ ق

مصادف با ۱۵ اکتبر ۱۹۶۰ م